

نویسنده: جاکوب جی هارنبرگر (Jacob G. Hornberger)

منبع و تاریخ نشر: انتی وار «2019-11-20».

برگردان: پوهندوی دوکتور سید حسام «مل» .

دو مرگ دیگر از سربازان ایالات متحده امریکا به دلیل هیچ چیز در افغانستان

Two more US death for nothing in Afghanistan



دو سربا زد دیگر امریکا بی نیز در جریان عملیات بخاطر حمایت از جنگی در افغانستان کشته شدند. با این دو نفر کشته تعداد کشته شدگان سربازان ایالات متحده در جنگ تحت حمایت امریکا در افغانستان تاکنون طی این سال جاری به (19) نفر کشته میرسد و از زمان تجاوز نیروهای جنگی ایالات متحده بالای افغانستان در سال (2001) تاکنون

تعداد مجموع کشته شدگان سربازان امریکایی به (2400) نفر میرسد. ولی با آنهم تعداد واقعی کشته شده ها مربوط به نیروهای امریکایی در افغانستان معلوم نبوده ویاکه مخفی گذاشته میشود. زیرا سیاست امریکا در قبال کشته شده ها طوری است که آن کشور نمیخواهد از مرگ و میر نیروهای خارجی در افغانستان ارقام دقیق ارائه نماید. اما سوال مهم و جالب در اینجا که پیش می آید این است که مقامات مسول ایالات متحده به اعضای خانواده آن دوسرباز کشته شده چه خواهند گفت؟

آیا با آنها خواهند گفت که ایشان برای حفظ آزادی درگذشتند؟ اگر چنین باشد دروغ خواهد بود؛ درست همانطور که در قتل دروغ گفته بودند وقتی که مقامات ایالات متحده همان چیز به خانواده های (58000) سرباز امریکایی میگفتند زمانیکه اجساد آن کشته شده ها از جنگ طولانی در ویتنام بازگردانده می شد. همین حرف را داشتند؛ وقتی سربازان امریکایی که در افغانستان کشته می شوند یا که می میرند بخاطر دفاع از آزادی مردم امریکا نیست یا که از آزادی مردم امریکا دفاع نمیکنند چونکه هیچ کس و یا هیچ یک افغان آزادی امریکا را تهدید نکرده و نمیکند.

به عباره دیگر؛ طالبان با هدف و یا با نیت حمله به ایالات متحده؛ تسخیر و یا فتح امریکا؛ بدست گرفتن زمام دولت فدرال؛ و خدمات درآمد داخلی (IRS) و به بردگی کشاندن مردم امریکا نیروهای خود را بسیج نمیکند یا که آنها در حال سازماندهی و حمل و نقل به صدها هزار کشتی جنگی و هواپیماها نیستند و نه هم در صدد انتقال به صدها هزار سرباز و نیروهای مهاجم به کشور و نه بخاطر اشغال امریکا نیازمند ملیاردها دلار برای مصارف حمل و نقل و یا عبور و ساینده و مهمات جنگی از طریق اقیانوس اطلس بسوی امریکا نیستند. بلکه آنها یعنی طالبان پس از برکناری از قدرت توسط ایالات متحده در طول سال (2002) به سادگی در تلاش هستند که در جنگ داخلی کشورشان به قدرت برسند.

منطق (پناه دادن) :

مقامات مسول امریکا ممکن است به خانواده های آن مرده ها (کشته شدگان) بگویند که این ها بخاطر جان خود را از دست داده اند که از بازگشت دوباره طالبان و متحد آن (القاعده) جلوگیری شود. اگر چنین باشد این نیز دروغ خواهد بود.

دولت امریکا هیچوقت ویا هیچگاه هیچ مد رکی مبنی بر دست داشتن ویا همدستی طالبان در حملات (11) سپتامبر نداشته و ندارد فقط به این دلیل که یک تروریست متهم در یک کشور خاص زندگی میکند؛ دولت آن کشور را در حملات تروریستی که توسط افراد ساکن در داخل کشور انجام میشود همدست نمیداند؛ افزون بر آن یک شخص ممکن است فکر میکند که اگر مقامات ایالات متحده امریکا مرگ این دوسرباز امریکایی را دلیل منطقی پناه خواستن تروریست ها توجه میکند - خانواده های آنها ممکن است در بعضی موارد تعجب کنند که چرا تروریست ها برای برنامه ریزی حملات تروریستی ضد امریکایی به افغانستان نیاز دارند با توجه به اینکه صدها نفر وجود دارد؛ سایر کشورها در سراسر جهان که میتوانند چنین برنامه های را تهیه کنند ویا به متن پشتو [سربیره پردی، بوخوک به فکر وکری چي که دمتحده ایالاتوچارواکي ددغودوه سرتیرو دمړنی دتوجیه لپاره دپناه غوښتونکو تروریستانو استدلال وکاروی نو ددوی کورنی (دمرو کورنی) یوڅه په دي فکر وکړي چي ولی ترهگر افغانستان ته اړتیا لری، ځکه چی دلته په سلگونو شتون لری، دنړی نور هیوادونه چیري چی ورته یا مشابه پلانونه کیدی شی] .

جنگ بخاطر تغییر رژیم و استرداد:

دلیل اینکه مقامات امریکا تصمیم به آغاز جنگ بخاطر تغییر رژیم طالبان در افغانستان میگیرند به این دلیل است که رژیم طالبان از پذیرش تقاضای استرداد بی قید و شرط **اسامه بن لادن** رهبر «القاعده» خودداری کردند. اما طبق قانون پذیرفته شده استرداد؛ رژیم طالبان ملزم به رعایت آن تقاضای استرداد بی قید و شرط نبوده چونکه هیچ پیمان استرداد بین افغانستان و ایالات متحده امریکا در زمینه وجود نداشت ویا که ندارد. در هر صورت به همین دلیل است که امریکا علیه افغانستان جنگ کرد نه به این دلیل که طالبان آگاهانه به یک تروریست متهم «پناه» داده است بلکه به این دلیل که چرا طالبان از پذیرش خواست بی قید و شرط دولت امریکا امتناع ورزیدند. که طبق قانون مجاز

به انجام آن بودند؛ بنا بر این جنگ علیه طالبان در مورد استرداد «**اسامه بن لادن**» بود که یک تقاضای شریفانه یا باشکوه ترین چیزی نیست که بخاطر آن باید بمرد .

مداخله گرایی و جنگ همیشگی :

نکته ای دیگری وجود دارد که باید در نظر گرفته شود؛ تروریسم ضد امریکایی از جمله حملات «11» ماه سپتامبر؛ ریشه در مداخله امریکا در خارج از کشور دارد؛ این همان چیزی است که ایالات متحد امریکا (جنگ علیه تروریسم) را به یک جنگ دائمی تبدیل میکند که به نوبه خود بودجه های فزاینده ای را برای مجتمع نظامی و همچنان نابودی آزادی و آزادمندی را برای امریکا مساعد میسازد یعنی که عواید سرشاری را به نسبت فروش سلاح برای مجتمع نظامی امریکا تدارک می بیند که در کنار آن آزادی مردم امریکا نیز سلب میشود .

سربازان امریکایی افراد زیادی را در آنجا میکشند و اعضای خانواده ها و دوستان قربانیان با کشته شدن سربازان دیگر امریکایی یا امریکایی ها تلافی میشوند که این امر باعث میشود نیروهای امریکایی تعداد بیشتری از افراد را در آنجا بکشند .

دلیل اصلی حمله بالای افغانستان این بود که «**اسامه بن لادن**» را بدست آوریم و او را به دلیل همدستی بودنش در حملات «11» سپتامبر به دادگاه بسپاریم شایان ذکر است: و آن اینکه آنها مدت ها پیش «**بن لادن**» را کشته اند ولی تا هنوز که هنوز است سربازان امریکایی در افغانستان نگهداری میشوند و یا که مستقر هستند. و سال ها پس از آن تا هنوز مردم آن کشور بدست همین سربازان امریکایی کشته میشوند .

جنگ غیر قانونی و مرگ های ناگهانی (اصلی) :

چیزی مهم قابل ذکر این است که قانون اساسی ایالات متحده امریکا ماده ای را در محتوی خود دارد و آن اینکه قبل از آنکه امریکا و ارتش آن کشور بخواهد بطور قانونی علیه دولت و یا ملت دیگری داخل

جنگ و منازعه شود ؛ حکم میکند که رییس جمهور ملزم به اعلام جنگ بعد از تصمیمگیری کنگره است . حالانکه این مسله در مورد حمله بر افغانستان هرگز اتفاق نیا فتاده است ؛ و آن به این معنی که در طول این «18» سال جنگ طولانی ؛ نیروهای امریکایی در جنگ کشته میشوند و یا که می میرند که همه در قالب یک جنگ غیر قانونی است .

البته مقامات امریکایی میتوانند به اعضای خانواده های این دوسرباز کشته شده ای امریکایی بگویند که آنها جان خود را از دست دادند تا مقامات امریکایی بتوانند با طالبان به مقابله بپردازند و به اینصورت سربازان ما با موفقیت از این جنگ به خانه برگردند ؛ این است که آنها به اعضای خانواده ها نمی گویند که چه چیزی درست است ؟ از اینکه عزیزان شان به علت آن کشته می شوند زیرا مطمئناً به اکثر افراد یورش برده نمیشود که چیزی مهم پنداشته شود از اینکه بخاطر آن بمیرند .

دولت امریکا باید واقعیت را به خانواده های این دوسرباز کشته شده بگویند و یاکه نباید حقیقت را کتمان کنند و آن اینکه آنها به هیچ وجه کشته شده اند همانگونه که (58000) سربازان امریکایی در طول جنگ ویتنام برای هیچ چیزی جان باختند ؛ درک اینکه عزیزان شخص برای هیچ چیز در می گذرد تنها دردناک نیست اما حداقل حقیقت این است .



چند سطر در مورد نویسنده این مقاله :

جیکوب جی هورنبرگ بنیانگذار و رییس بنیاد آینده زندگی آزادی است ؛ وی در لاریدو (Laredo) تکزاس به دنیا آمده و بزرگ شده و لیسانس خود را در اقتصاد از انستیتوت نظامی ویرجینیا و مدرک حقوق خود را از پوهنتون تکزاس دریافت کرده است . وی برای مدت (12) سال در ولایت تکزاس وکیل مدافع بود او همچنین

استاد همکار در پوهنتون دالاس بود؛ جایکه به تدریس حقوق و اقتصاد پرداخت. در سال (1987) آقای هورنبرگ از عمل ویا از کارهای عملی به تدوین قوانین پرداخت تا آنکه مدیر برنامه های بنیاد اقتصادی شود او بازارهای آزاد و آزاد را در برنامه های گفتگو های رادیویی در سراسر کشور رونق داد و همچنین در تماس های **نیل کاوتو** (Neil Cavuto) و گیتا وان **سوسترن شو** (Geta Van Susteren Show) نیوز پیشروی کرده است و او بعنوان مفسر منظم در نمایش آزادی دیدگاه قاضی **اندریو نا پولیتا نوس** (Andrew Napolitano's) ظاهر شده است این مصاحبه ها را در {Lew Rock Well .com} با متن کامل مشاهده کنید و برای او ایمیل بفرستید.

----- **با تقدیم احترامات** « 2019-11-23 »